

**A Study on the Concept and Primary/Secondary
Exemplars of the “Ahl al-Bayt” (p.b.u.t)**

Javad Soleimani Amiri¹

Ali Asghar Ghorbani²

Abstract

The Tathīr Verse (Purification Verse), or the verse concerning the Ahl al-Bayt (People of the House), has long been a subject of intensive debate and scrutiny among scholars from both major Islamic schools of thought (fariqayn). These discussions can be traced throughout their exegetical and theological literature. One central point of contention has been the definitive identification of the exemplars (maṣādiq) of the Ahl al-Bayt.

In this article, the author revisits the primary exemplars of the Ahl al-Bayt and introduces a novel dimension: the secondary exemplars of the Ahl al-Bayt. These

¹. Associate Professor, Department of History, Imam Khomeini Education and Research Institute (IKBRI), Qom, Iran.

Email: soleymaniamiri@iki.ac.ir ORCID: 0000-0002-8405-9047

². Ph.D. in History of Shi'ism, Imam Khomeini Education and Research Institute (IKBRI), Qom, Iran (Corresponding Author).

Email: aqorbani@anjomedu.ir

are believers who, as a result of their complete adherence in belief and action to the infallible figures (Ma'sūmūn) and by partaking in their existential emanation (shu'ā' wujūdī), are considered "of the Ahl al-Bayt" and attain the Manāwi' station (a state of high distinction/benefit).

The findings of this research emphasize the following: reaffirmation of the truthful school of the Ahl al-Bayt (a.s.); the necessity of recognizing that recourse and adherence to the divinely chosen Infallibles, especially the last survivor of this Household, is the sole path to salvation and felicity; the strengthening of faith in the unity with and connection to the Infallibles through the recognition of true believers who have earned the badge of honor of "being minnā Ahl al-Bayt" (one of us, the People of the House); and the intensification of the determination of the Mahdī - believers in fulfilling their essential and historical role in supporting the Mahdī and establishing justice, due to their belief in and feeling of oneness with the Last Divine Elect (a.j.).

Keywords: Āyat al-Tathīr, Ahl al-Bayt, Exemplar (Maṣḍaq), Primary, Secondary

حکمت کریمان

السنة الرابعة، صيف سنة ١٤٤٦، الرقم الثاني عشر

بحث في مفهوم ومصداق أهل البيت الأصليين والتبعين عليه السلام

جواد سليمانی أمیری^١

علي أصغر قربانی^٢

الملخص

إنَّ آيةَ التطهيرِ أو آيةَ أهلِ البيتِ كانت منذ زمنٍ بعيدٍ محلَّ بحثٍ ونقاشٍ لدى العلماء من الشيعة والسنة. بحيث يمكن تتبع هذه المباحث في الكتب التفسيرية والكلامية. وقد كان أحد هذه الأبحاث حول مصداق أهل البيت. ولذا تناول الكاتب في هذه المقالة بعد إعادة البحث في مصداق أهل البيت موضوعاً جديداً بطرح المصداق التبعية لأهل البيت. والمراد بذلك المؤمنون الذين كملوا الإيمان نتيجة اتباعهم في العقائد والأعمال الصادرة من المعصومين والاستضاءة من شعاع وجودهم ممَّا يُوصل الإنسان إلى مقام المآل. وقد توصلت نتائج هذا البحث إلى التأكيد المتكرر على مدرسة أهل البيت عليهم السلام وضرورة الانتباه إلى أنَّ التوسل والتمسك بالمعصومين الإلهيين وآخرهم الباقي من هذا البيت الطريق الوحيد للنجاة والسعادة وتقوية الإيمان بوحديتهم والارتباط بهم عليهم السلام من طريق معرفة المؤمنين الذين نالوا شرف الانتساب إلى أهل البيت، كما يجعل أنصار المهدي عليه السلام أكثر جدية وعزماً في انتظارهم في إحياء دورهم التاريخي في إرساء العدل وذلك بسبب الاعتقاد والشعور بوحدة مع بقية الله الأعظم عليه السلام.

الكلمات المفتاحية: آية التطهير، أهل البيت، مصداق، أصلي، تبعي.

١. استاذ مشارك في قسم التاريخ في مؤسسة الإمام الخميني، في قم.

Email: soleymaniamiri@iki.ac.ir

ORCID: 0000-0002-8405-9047

٢. دكتوراه في تاريخ التشيع ودراساته في مؤسسة الإمام الخميني، في قم (المؤلف المسئول).

Email: aqorbani@anjomedu.ir

فصلنامه حکمت کریمان

شماره ۱۲، تابستان ۱۴۰۴

صص ۱۰۷-۱۳۳



پژوهشی در مفهوم و مصداق اصلی و تبعی اهل بیت علیهم السلام

جواد سلیمانی امیری^۱

علی اصغر قربانی^۲

چکیده

آیه «تطهیر» یا «اهل بیت»، از دیرباز مورد بحث و بررسی دانشمندان فریقین قرار گرفته است. این مباحث را در کتاب‌های تفسیری و کلامی آنان می‌توان پیگیری کرد. یکی از این‌ها، بحث در مصداق «اهل بیت» بوده است. نگارنده در این مقاله، پس از بازپژوهی در مصداق «اهل بیت»، در موضوعی نو به طرح مصداق تبعی «اهل بیت» پرداخته است؛ مؤمنانی که در نتیجه‌ی پیروی کامل در اعتقادات و اعمال از آن حضرات معصوم و برخوردار از شعاع وجودی آنان، «از اهل بیت» به شمار آمده و به مقام «متّایی» رسیده‌اند. دست‌آورد این پژوهش عبارت‌اند از: بازتأکید بر مکتب حقّانی اهل بیت علیهم السلام؛ لزوم توجه به اینکه توسل و تمسک به برگزیدگان معصوم الهی و آخرین بازمانده از این خاندان،

۱. دانشیار گروه تاریخ، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره)، قم.

Email: soleymaniamiri@iki.ac.ir

ORCID: 0000-0002-8405-9047

۲. دکتری تاریخ تشیع، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره)، قم، (نویسنده مسؤل).

Email: aqorbani@anjomedu.ir

تنها راه نجات و سعادت است؛ تقویت ایمان به یگانگی و پیوند با معصومان، از طریق شناخت مؤمنان حقیقی که نشان افتخارِ «از ما اهل بیت بودن» را کسب کرده‌اند؛ جدی‌تر و مصمم‌تر گشتن مهدی باوران در ایفای نقش اساسی و تاریخی خود در مهدی‌یاوری و عدالت‌گستری، به سبب اعتقاد و احساس یگانگی با واپسین برگزیده الهی علیه السلام.

واژه‌های کلیدی: آیه تطهیر، اهل بیت، مصداق، اصلی، تبعی.

مقدمه

خدای متعال پیامبر اسلام ﷺ را «اسوه حسنه» در زندگی انسان‌ها معرفی کرده است (احزاب: ۲۱). آن حضرت همراه با اهل بیتش ﷺ، معصومانی هستند که خلیفه خدا در زمین و هسته مرکزی در ایمان و عمل مومنانه‌اند. آنان واسطه فیض الهی و میزان حق‌اند که دیگران به اندازه معرفت و ولایت اهل بیت، بهشت رضوان و رضای خدای متعال را کسب می‌کنند. پیروان اهل بیت ﷺ، به تناسب نزدیکی اعتقادی و عملی و برخورداری هرچه بیشتر از شعاع وجودی آنان، «از آنان» گشته‌اند. هدف از پژوهشی در مصداق اصلی و تبعی اهل بیت ﷺ، کنکاش در منابع مهم تفسیری و روایی و شناخت اسوه‌های معصوم و نیز مومنانی‌اند که از رهگذر الگوگیری از اهل بیت، توانستند امکان «از آنان شدن» را به وقوع بپیوندند و خود، الگویی برای پویندگان راه حقیقت گردند.

آیه ۳۳ سوره احزاب، معروف به آیه تطهیر یا اهل بیت، از دیرباز محل ابراز نظرات دانشمندان فریقین بوده است. با وجود پژوهش‌های گذشته در منابع تفسیری و روایی و نیز نوشتجات خاص در موضوع اهل بیت و آیه تطهیر، پژوهش حاضر با طرح و تدوین تازه‌ای به این موضوع پرداخته است؛ یعنی افزون بر بحث از اینکه آیا اهل بیت تنها شامل پنج تن معصوم می‌شود یا دیگرانی را هم به هنگام نزول آیه و معصومان دیگری را هم پس از نزول شامل می‌شده یا نه، ملحق شدن غیرمعصومان پیرو اهل بیت ﷺ با وصف کلی مؤمنان یا شیعیان یا با تصریح به نام برخی اصحاب نیز بحث و بررسی قرار گرفته است.

چنان‌که اشاره شد، منظور از مصداق یا مصادیق تبعی اهل بیت ﷺ، ولایت‌مدارانی هستند که از رهگذر الگوگیری از معصومان ﷺ و پیروی کامل از آنان در مبانی اعتقادی و سبک زندگی، توانستند امکان «با آنان شدن» یا «از آنان شدن» را به وقوع برسانند و خود، الگویی برای پویندگان راه حقیقت شوند.

از آنجا که چهارده معصوم ﷺ در مکتب اسلام مصداق اصلی اهل بیت ﷺ و پیروان خاصّ شان که نشان افتخار «از آنان شدن» را کسب نموده‌اند مصداق تبعی و پیرو را

شامل می‌شوند، روشن است که به حکم و اقتضای پیرو و پایه، اینان در همه احکام نظری و عملی - اعتقادات، ارزش‌های اخلاقی و سبک‌زندگی در ابعاد گوناگون فردی و اجتماعی - تابع آن وجودهای مقدس هستند؛ همان وجودهای پاکی که حامل علوم لدنی و نورانی‌اند و منبع و وسیله همه فیض‌های مادی و معنوی برای رهپویان حقیقت و سعادت هستند.

گفتنی است از سویی، گاهی افرادی با وجود خویشاوندبودن، به دلیل قطع پیوند و وابستگی اعتقادی و قلبی، جزو «اهل» انسان به‌شمار نمی‌آیند؛ مانند فرزند حضرت نوح علیه السلام که وقتی از خدا درخواست نجات فرزندش را کرد، خدای متعال پسر نوح را به دلیل نافرمانی از خدا و پیامبرش از «اهل» او به‌شمار نیاورد (ر. ک: هود: ۴۵-۴۶). امام رضا علیه السلام در مجلسی که برادرش زید سخنان غرورآمیزی درباره نسب خود در جمع حاضر گفت، در موضع‌گیری تندی، با اشاره به آیه بالا فرمود: «او با اینکه پسر نوح بود، ولی به دلیل عصیانش، خدا او را از خاندان پدرش نفی کرد. همان‌طور هم، اگر کسی از ما از خدای عزیز و جلیل اطاعت نکند، از ما نیست و تو [حسن و شاء بغدادی] در صورت اطاعت از خدا، از ما اهل بیت هستی» (ابن بابویه، ۱۳۷۸: ۲/ ۲۳۲). از سوی دیگر، گاهی افرادی خارج از محدوده خویشان و نزدیکان نیز می‌توانند جزو «اهل» انسان محسوب شوند؛ مانند مؤمنانی که به سبب سنخیت، مؤانست و پیوند فکری و قلبی با پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و ائمه علیهم السلام، از آنان به‌شمار آمده‌اند. تعابیری همچون «مِنَّا أَهْلَ الْبَيْتِ» و «مِن آلِ مُحَمَّدٍ» که در شأن مؤمنان و شیعیان به‌طور عام و برخی اصحاب اهل بیت به‌طور خاص رسیده، گویای آن مطلب است که در این نوشته مواردی از آن آمده است.

در مفاهیم کلیدی این نوشتار، بیت که جمع آن بیوت است، در اصل، پناهگاه (مأوی) انسان در شب است؛ سپس آن را برای مسکن و خانه، بدون در نظر گرفتن تعبیر شب گفته‌اند (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۱/ ۱۵۱).

در معنا و کاربرد واژه «اهل»، انس، پیوند، وابستگی، اختصاص و تعلق وجود دارد؛

چنان که صاحب التحقیق پس از نقل معانی آن از کتب لغت، «تحقق انس، اختصاص و تعلق» را معنای حقیقی اهل می‌داند. البته برای این معنا مراتب محدودتر تا گسترده‌تری وجود دارد؛ با هرچه شدیدتر شدن تعلق و وابستگی، عنوان «اهلیت» قوی‌تر و با اختلاف موارد، اغراض و مقام‌ها دایره «اهل» وسیع‌تر می‌شود (مصطفوی، ۱۴۳۰: ۱۸۴/۱-۱۸۶).

۱. اهل بیت علیهم‌السلام و ویژگی‌های آنان

واژه «اهل‌البیت» به صورت معرفه، دو بار در قرآن کریم آمده است: یکی درباره حضرت ابراهیم علیه‌السلام (هود: ۷۳) و دیگری مربوط به پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و خاندان معصومش (احزاب: ۳۳). «اهل‌بیت» مورد بحث و نظر در فرهنگ اسلامی، همین آیه‌ی سوره احزاب است که طبق مکتب اهل‌بیت، چهارده معصوم را دربر می‌گیرد؛ یعنی پنج تن «آل‌عباء» یا «آل‌کساء» (مشمول زمان نزول آیه) و سپس با توسعه مفهومی شامل بقیه امامان که توضیح آن در جای خود خواهد آمد؛ بنابراین این واژه که اصطلاح خاص قرآنی، حدیثی و کلامی و مربوط به آیه تطهیر است، به معنای خاندان نبوی صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم است. به گفته‌ی مرحوم علامه نیز، لفظ «اهل‌البیت» در عرف قرآن [در آیه تطهیر] اسم خاصی برای این پنج نفر علیهم‌السلام گردیده است و به جز آنان اطلاق نمی‌شود؛ اگرچه از خویشان خیلی نزدیک باشند و اگرچه به حسب عرف عام، اطلاقش بر آنان درست است (طباطبایی، ۱۳۹۰: ۱۶/۳۱۲).

از ویژگی‌های اصلی و انحصاری اهل بیت علیهم‌السلام، عصمت ذاتی آنان است؛ چنان که آیه تطهیر به آن تصریح کرده است. عصمت در لغت به معنای بازداشتن (منع) و محافظت کردن است (ابن‌منظور، ۱۴۱۴: ۱۲/۲۴۱). معصوم در اصطلاح کلامی و اعتقادی به کسی اطلاق می‌شود که از هرگونه گناه و لغزش پاک و مصون است. عقیده به عصمت پیامبران و اهل‌بیت علیهم‌السلام از اعتقادات اصلی و دیرپای شیعه محسوب می‌شود. شیخ صدوق در این باره می‌نویسد: «اعتقاد ما درباره پیامبران، فرشتگان و امامان علیهم‌السلام این است که آنان از هرگونه آلودگی معصوم و مطهر هستند و از هرگونه کوچک و بزرگ به دورند (ابن بابویه،

۱۴۱۴: ۹۶). در مباحث آینده به برخی از دلایل عصمت اهل بیت و دوازده امام علیهم السلام اشاره خواهد شد.

۲. مصداق اصلی اهل بیت علیهم السلام

مصداق اصلی اهل بیت علیهم السلام چهارده معصوم اند؛ کسانی که عصمت آنان، هم از آیات، از جمله از همین آیه تطهیر و روایات اثبات می شود و هم از گواهی تاریخ. مراد از گواهی تاریخ این است که در عالم واقع هم، هیچ گناهی از آنان گزارش نشده است؛ بلکه حتی مخالفان هم به پاکی آنان اذعان نموده اند. در حالی که درباره هیچ کس دیگری، ادعای عصمت نشده؛ بلکه گزارش های تاریخی از وقوع معاصی حکایت می کند؛ از جمله درباره همسر پیامبر که در فتنه جمل باعث کشتار چندین هزار مسلمانان شد.

۱.۲. قرائن اطلاق «اهل بیت» بر جمع خاص پنج تن علیهم السلام

مصداق جمع پنج نفره اهل بیت علیهم السلام با استفاده از قرائنی است که واژه اهل بیت را از دایره نسبتاً گسترده (همسر، فرزندان و جز آنان) به این جماعت خاص محدود کرده است. قرائن اطلاق «اهل بیت» به جمع خاص پنج تن علیهم السلام و نیز عدم تطبیق بر همسران پیامبر عبارت اند از (سبحانی، ۱۴۲۰: ۱۴-۲۰):

۱. لام در «اهل البیت» برای عهد است؛ نه جنس و نه استغراق. لام جنس نبودن به این سبب است که آیه در صدد بیان حکم طبیعت اهل بیت نبوده و لام استغراق نبودن نیز به این دلیل است که در اینجا بیت (مفرد) آمده و همانند ابتدای آیه بیوت (جمع) نیامده است. پس مراد همان عهد است؛ یعنی بیت معهود؛ بنابراین آیه اشاره دارد به بُردن پلیدی از اهل بیت خاصی که میان متکلم و مخاطب معهود و معلوم است. آیا آن بیت همسران پیامبر علیهم السلام است یا بیت فاطمه، همسرش، حسن و حسین علیهم السلام؟ به یقین اولی که مراد نیست؛ زیرا برای همسران آن حضرت، بیت یگانه ای نبود تا لام به آن اشاره کند؛ بلکه هریک در بیت خاصی ساکن بود و اگر یکی از بیوت آنان اراده شود، آیه مختص به یکی

از آنان می‌شود؛ درحالی‌که امت برخلاف آن (نه بر یکی) اتفاق نظر دارند. افزون بر آن، این که اگر چنین گفته شود، بیت فاطمه علیها السلام خارج می‌شود؛ با این‌که روایات برشمول آن وارد شده‌اند.

همه این‌ها طبق این فرض بود که مراد از «بیت»، خانه ساخته شده از سنگ، آجر و چوب باشد؛ درحالی‌که آن به‌طور متعین، بر بیت خاص معهودی حمل می‌شود و آن تنها بیت فاطمه علیها السلام است؛ زیرا جز آن، بیت خاصی که شایستگی حمل آیه بر آن باشد، وجود ندارد.

۲. قرینه دوم این‌که ضمائر در آیه تطهیر مذکر آمده است. عدول از ضمائر مؤنث و مربوط به همسران پیامبر صلی الله علیه و آله در آیات ۳۲ و ۳۳ به مذکر، دلیل بر این است که این جمع خاص، جدا و جز همسران آن حضرت است. علامه نیز به نقل از ابن حجر در صواعق اش گفته است: نظر اکثر مفسران چنین است که این آیه به دلیل مذکور بودن ضمیر «عنکم»، در شأن علی، فاطمه، حسن و حسین علیهم السلام نازل شده است (مجلسی، ۱۴۰۴: ۲۴۲/۳).

۳. قرینه سوم با استفاده از «إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ» است که حاکی از اراده تکوینی است، نه اراده تشریحی. از ویژگی‌های اهل بیت، عصمت و مصونیت آنان از گناه و لغزش است که از اراده تکوینی در این آیه اثبات می‌شود؛ افزون بر دلایل دیگر بر معصوم بودن آنان، همچون آیه «اولی الأمر» (نساء: ۵۹) و حدیث‌های «ثقلین» و «سفینه».

توضیح اینکه «مراد» در اراده تکوینی، از «اراده» جداشدنی نیست و اراده به‌طور حتم و یقین، در خارج به تحقق و ثبوت می‌رسد و «مراد» در آیه، بردن پلیدی و اثبات پاکی و مجتهد نمودن اهل بیت به اسباب و معادات عصمت است. پس درست نیست که مراد از اهل بیت، همسران پیامبر صلی الله علیه و آله باشد؛ زیرا هیچ‌یک از مسلمانان ادعا نکرده است که آنان از گناه و لغزش پاک بوده‌اند. پس هیچ‌گیزی نداریم از این‌که اهل بیت را بر جماعت خاصی از خاندان نبوی تطبیق کنیم؛ کسانی که در آنان، اسباب و مقتضیات عصمت فراهم آمده است (اصحاب کساء)؛ زیرا اتفاق نظر بر عدم اتصاف نکردن جز آنان، به این اسباب هست.

۴. در آیات مربوط به همسران پیامبر صلی الله علیه و آله (احزاب: ۲۸-۳۴). درباره آنان دو لفظ «أزواج» (یک بار) و «نساء النبی» (دو بار) به کار رفته است که تصریح بر همسران آن حضرت است. عدول از این الفاظ به «اهل البیت» قرینه‌ای است بر این که مخاطب به این لفظ غیر از مخاطب به آن دو لفظ است.

۲-۲. اقدامات پیامبر صلی الله علیه و آله در معرفی مصداق «اهل بیت» در پنج تن علیهم السلام

پیامبر صلی الله علیه و آله خود با انجام اقداماتی به شناساندن اهل بیت علیهم السلام به پا خواستند. آن حضرت به سه طریق در صدد شناسایی اهل بیت و تعیین مصداق آنان برآمد؛ به طوری که جامع آنان و مانع دیگران شود. روایات و مستندات این سه روش در منابع شیعی و سنی فراوان است. در اینجا تنها به برخی از منابع اهل تسنن، آن‌هم تنها به برخی از روایات شان استناد می‌کنیم.

۱. تصریح به نام‌های کسانی که آیه در حق آنان نازل شده است؛ نمونه‌ای از این‌گونه روایات عبارت‌اند از: طبری (۱۴۱۲) مفسر اهل تسنن، در تفسیر این آیه روایاتی نقل کرده که در آن به نام‌های اهل بیت علیهم السلام تصریح شده است. وی از ابوسعید خدری نقل کرده که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «خداوند فقط می‌خواهد پلیدی و گناه را از شما اهل بیت دور کند و کاملاً شما را پاک سازد» درباره پنج کس نازل شد: من، علی، حسن، حسین و فاطمه (۲۲/۵). وی هم چنین از قول ابوسعید آورده است که این آیه در خانه ام سلمه، همسر پیامبر صلی الله علیه و آله نازل شد و گفته ام سلمه را در این باره نقل می‌کند: «من کنار در خانه نشسته بودم؛ پس گفتم ای پیامبر خدا! آیا من هم از اهل بیتم؟ فرمود: همانا تو بر خیری؛ تو از همسران پیامبر صلی الله علیه و آله هستی. ام سلمه ادامه می‌دهد: در خانه، رسول خدا صلی الله علیه و آله، علی، فاطمه، حسن و حسین علیهم السلام بودند» (همان: ۷).

سیوطی (۱۴۰۴) نیز در تفسیر آیه تطهیر روایاتی این چنین آورده است: وی از ابن مردویه از ام سلمه نقل می‌کند که این آیه در خانه من نازل شد؛ در حالی که در خانه هفت کس

بودند: جبریل و میکائیل علیهم‌السلام، پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم، علی، فاطمه، حسن و حسین علیهم‌السلام. من کنار در خانه بودم؛ گفتم: ای رسول خدا! آیا من از اهل بیت نیستم؟ فرمود: همانا تو به خیری (انک اِلی خیر)؛ تو از همسران پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم هستی. او هم چنین از ابوسعید خدری روایت کرده که پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم فرمود: این آیه درباره پنج شخصیت نازل شده است: من، علی، فاطمه، حسن و حسین (۱۹۸/۵).

۲. داخل و جمع کردن اهل بیت زیر کساء (یا «مرط، ثوب، عباءة، قطیفة») و منع از ورود دیگری.

روایات بسیاری وارد شده که پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم در خانه ام سلمه، اهل بیت را زیر کساء (یا عنوان دیگری از لباس) جمع کرد و از ورود همسر گرامی اش جلوگیری کرد. طبری از ابوسعید خدری از ام سلمه نقل می‌کند: وقتی این آیه (إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيراً) نازل شد، رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم علی، فاطمه، حسن و حسین را خواند و بر آنان کساء خیبری پوشاند. سپس فرمود: خدایا! اینان اهل بیت من‌اند؛ خدایا! پلیدی را از آنان بپر و آنان را پاک گردان... (طبری، ۱۴۱۲: ۶/۲۲؛ ر. ک: سیوطی، ۱۴۰۴: ۱۹۸/۵).

۳. سیره مستمر و چندماهه در جلب توجه جامعه به خانه اهل بیت علیهم‌السلام با ایستادن هر روزه جلو در آن خانه و خواندن آیه تطهیر در آنجا. گزارش‌های مدت زمان تکرار هر روزه این عمل متفاوت است؛ تا شش، هفت، هشت و نه ماه.

طبری از ابی حمرا نقل کرده است که او مدت هفت ماه در مدینه شاهد بوده است که هنگام طلوع فجر، پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم بر در خانه علی و فاطمه علیهم‌السلام می‌آمد و اعلام نماز و تلاوت آیه تطهیر می‌نمود (طبری، ۱۴۱۲: ۶/۲۲).

سیوطی (۱۴۰۴) نیز روایات متعددی در این باره نقل کرده است. یکی از آن‌ها گواهی ابن عباس و گزارش او از حضور نه‌ماهه از این سیره نبوی به هنگام هر نمازی بوده که می‌فرمود: «السلام علیکم ورحمة الله وبرکاته أهل البيت إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيراً الصلاة رحمتكم الله كل يوم خمس مرات» (۱۹۹/۲).

۲-۳. امامان بعدی اهل بیت علیهم السلام

۱- ۳-۲. جزو «اهل بیت» بودن همه دوازده امام

اکنون به این مسئله می‌پردازیم که آیا عنوان «اهل بیت» با ویژگی‌های اختصاصی‌شان همچون علم و عصمت، تنها شامل پنج تن علیهم السلام است یا برخی دیگر را هم می‌تواند در بر بگیرد. در پاسخ باید گفت: شمول انحصاری اهل بیت در افرادی خاص که از خود آیه تطهیر (انما) معلوم می‌شده و تعیین مصداق آنان در پنج تن علیهم السلام با معرفی پیامبر صلی الله علیه و آله، منافاتی با افزوده شدن برخی دیگر از همین خاندان ندارد؛ زیرا آن حصر اضافی است و نه حصر مطلق و حقیقی. با این توضیح که منحصر کردن اهل بیت در پنج تن علیهم السلام در زمان نزول - که از خاندان وحی و عصمت، تنها همانان در دنیا بودند- به منظور معرفی «اهل بیت» و جداسازی همه‌ی دیگران از جمله همسران پیامبر صلی الله علیه و آله از جایگاه ویژه آنان بود و این منافاتی ندارد که از این خاندان برگزیده، در هر عصر و زمانی یک «امام» وجود داشته باشد. بر همین اساس است که لفظ «اهل بیت» در روایات بر بقیه‌ی امامان، یعنی از امام سجاد تا امام زمان علیه السلام تعمیم داده و اطلاق شده است؛ این به آن دلیل است که در روایات زیادی از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله این عنوان از باب توسعه مفهومی و تنقیح مناظر بر امامان معصوم دیگر هم تطبیق شده است. طریحی (۱۳۷۵)، پس از بیان پنج تن علیهم السلام مراد در آیه تطهیر و حدیث کساء، می‌نویسد: بدان که این، اصل در نزول آیه است؛ ولی اطلاق نام اهل بیت بر بقیه امامان علیهم السلام از سنت متواتر معلوم است (۱۹۴/۲).

از آنجا که به تایید الهی، پیامبر صلی الله علیه و آله «هرگز از روی هوای نفس سخن نمی‌گوید؛ آنچه می‌گوید چیزی جز وحی که بر او نازل شده نیست» (نجم: ۳-۴). براساس مستندات از جمله آیه تطهیر، عصمت «اصحاب کساء» مسلم است. همه فرمایش‌های آن حضرات، از جمله درباره معرفی بقیه اهل بیت و امامان معصوم علیهم السلام حجیت و اعتبار دارد. بنابراین به دلیل علم و عصمت اهل بیت و برگزیدگان الهی، شناخت و تشخیص مصداق اهل

بیت و امامان علیهم السلام در طول تاریخ اسلام، اعلام اصحاب کساء و نیز تنصیص هر امامی به امام پس از خود بوده است.

چنان که اشاره شد، طبق روایات نبوی زیادی، عنوان اهل بیت در مورد ائمه دوازده گانه به کار رفته است؛ حال یا از طریق معرفی آنان به طور مجموعی و یا حتی با نام بردن از تک تک آن حضرات. افزون بر روایات نبوی، خود امامان نیز در اثبات این موضوع (شمول عنوان و ویژگی های اهل بیت درباره ایشان) سخنانی فرموده اند که طبق بیان بالا، این روایات نیز -همچون روایات نبوی- برای ما حجت و معتبر است.

۲-۲-۳. بیانات پیامبر صلی الله علیه و آله در معرفی بقیه عترت و اهل بیت

پیامبر صلی الله علیه و آله افزون بر معرفی پنج تن معصوم زمان نزول و جلوگیری از انگاره‌ی ورود دیگران در جمع اهل بیت، بقیه اهل بیت علیهم السلام را نیز معرفی فرمود. آن حضرت در احادیثی همچون حدیث ثقلین، به معصوم بودن «عترت» و نیز جدانبودن هیچ دوره‌ای از وجود آنان اشاره نمود. هم چنین ایشان افزون بر بیان کلی «عترت و اهل بیت خود» و ویژگی‌ها، به تعداد «دوازده نفر» بودن امامان و نیز به نام تک تک آنان تصریح نمودند. خزاز، از عالمان بزرگ شیعه در قرن چهارم، در کفایة الأثر فی النصّ علی الأئمة الإثنی عشر، به جمع‌آوری روایات معتبر شخصیت‌های مشهور صحابه و هم چنین روایات فراوانی از ائمه علیهم السلام در باره تعداد امامان و نام آنان همت گمارده است.

۱-۲-۳-۲. حدیث ثقلین

حدیث «ثقلین» به گفته علامه، از متواتراتی است که کسی از مخالفان (اهل تسنن) مانند قاضی القضاة، عبد الجبار معتزلی^۱ و متعصبان شان نیز هنگام احتجاج با آنان، هرگز آن را انکار نکرده است (مجلسی، ۱۴۰۴: ۲۳۲/۳). در این روایت، پیامبر صلی الله علیه و آله «عترت»

۱. متوفای ۴۱۵ ق.

و «اهل بیت» خود را در کنار قرآن قرار داده و امت اسلامی را به پیروی مطلق از آنان - همچون قرآن - فراخوانده است. جدانبودن عترت از قرآنی که به اتفاق همه فرق خطاناپذیر است، از مثبتات عصمت همه اهل بیت علیهم السلام و بیان گر ضرورت وجود امام معصومی در هر زمان است؛ که شرط گمراه نشدن، اطاعت مطلق از آنان اعلام شده است.

حدیث ثقلین با عبارت های گوناگون در منابع فراوان فریقین آمده است. این حدیث با یکی از عبارت های معروف آن به نقل از حذیفه بن یمان چنین است: «... و اینی تارک فیکم الثقلین کتاب الله و عترتی اهل بیتی ما ان تمسکتهم بهما لن تضلوا و من تمسک بعترتی من بعدی کان من الفائزین و من تخلف عنهم کان من الهالکین...» (خزاز، ۱۴۰۱: ۱۳۷). او با سلسله سند خود، دو روایت از ابی هریره نقل می کند که در آن به حدیث ثقلین و دوازده امام اشاره شده است (ر. ک: همان: ۸۷). در منابع اهل تسنن نیز، این حدیث با عبارت های مختلفی آمده است (ر. ک: سیوطی، ۱۴۰۴: ۶۰/۲).

۲-۳-۲. احادیث امامان دوازده گانه و نام آنان علیهم السلام

تعداد دوازده گانه بودن جانشینان پیامبر صلی الله علیه و آله در منابع شیعه و سنی و تصریح به نام ایشان در احادیث اهل بیت علیهم السلام بسیار آمده است. در احادیث نبوی با عبارات مختلفی از عدد «دوازده» یاد شده است؛ عباراتی مانند: «الأئمة بعدی اثنا عشر» (خزاز، ۱۴۰۱: ۴۳، ۴۴، ۵۸، ۶۹، ۷۶)، «اثنا عشر أمیراً» (همان: ۴۹) و «اثنا عشر خلیفة» (همان: ۲۵، ۵۱، ۵۲). در اینجا به یک مورد از روایات نبوی که در آن، نام مبارک همه امامان علیهم السلام بیان شده است، توجه می کنیم: امام حسین علیه السلام از پدر بزرگوارشان امام علی علیه السلام نقل نموده است: در خانه ام سلمه بر پیامبر صلی الله علیه و آله وارد شدم، در حالی که این آیه نازل شد: «خداوند فقط می خواهد پلیدی و گناه را از شما اهل بیت دور کند و کاملاً شما را پاک سازد» (احزاب: ۳۳). سپس پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: یا علی! این آیه درباره تو، دو فرزند و امامان از نسل تو نازل شده است. گفتم ای پیامبر خدا! امامان پس از تو چند نفرند؟ فرمود: تو ای علی؛ سپس دو پسر حسن و حسین، پس از

حسین فرزندش علی، پس از علی فرزندش محمد، پس از محمد فرزندش جعفر، پس از جعفر فرزندش موسی، پس از موسی فرزندش علی، پس از علی فرزندش محمد، پس از محمد فرزندش علی، پس از علی فرزندش حسن و پس از حسن فرزندش حجت. این چنین، نام‌های آنان را نوشته شده بر ساق عرش یافتیم. پس از خدای متعال درباره آنان پرسیدم و خدا فرمود: ای محمد! آنان امامان پس از تو هستند که مطهر و معصومند و دشمنانشان ملعون‌اند (خزاز، ۱۴۰۱: ۱۵۶؛ مجلسی، ۱۴۰۳: ۳۶/۳۳۶).

راوی برخی از این‌گونه روایات معرفی‌کننده امامان، حتی کسانی چون ابوهریره‌اند. در روایتی که ابوهریره همراه جمعی در محضر پیامبر ﷺ بوده و حدیث ایشان را او خود نقل می‌کند، پیامبر ﷺ خطاب به حسین ﷺ به امامت او و پدرش، علی ﷺ تصریح نموده، آنگاه به تفصیل نام تک‌تک نه امام از صلب امام حسین ﷺ را بیان فرموده است. آن حضرت ﷺ پس از یادکرد نام و صفات امامان ﷺ این آیه را تلاوت نمودند: «ذَرِيَّةَ بَعْضِهَا مِنْ بَعْضٍ وَ اللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ» (آل عمران: ۳۴). ابوعلی بن همام، یکی از راویان میانی همین روایت، شگفتی تمام خود را از ابوهریره ابراز داشته، که چگونه او خود این‌گونه اخبار را روایت کرده، سپس منکر فضایل اهل بیت ﷺ گشته است! (خزاز، ۱۴۰۱: ۸۱-۸۵).

۳-۲. استنادات امامان ﷺ در معرفی بقیه عترت و اهل بیت ﷺ

اهل بیت ﷺ در معرفی خود، به برخی روایات نبوی مانند حدیث ثقلین و آیات قرآن، مانند نساء: ۵۹، احزاب: ۶، آل عمران: ۳۳-۳۴ و قدر: ۴ استناد نموده‌اند. در ادامه، به برخی از این‌ها توجه خواهیم کرد.

امام رضا ﷺ در معرفی «عترت»، به آیه تطهیر و حدیث ثقلین استناد فرموده است (ر. ک: ابن بابویه، ۱۳۷۸: ۱/۲۲۹). ایشان در اثبات برتری «عترت» بر سایر مردم نیز، به قرآن کریم ارجاع داده‌اند: «فَقَالَ لَهُ الرِّضَاعُ: فِي قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ "إِنَّ اللَّهَ اصْطَفَى آدَمَ وَنُوحًا وَآلَ إِبْرَاهِيمَ وَآلَ عِمْرَانَ عَلَى الْعَالَمِينَ" * ذُرِّيَّةً بَعْضُهَا مِنْ بَعْضٍ» (همان: ۱/۲۳۰).

امام باقر علیه السلام پس از تلاوت آیات ۳۳ و ۳۴ آل عمران، در تبیین آن می‌فرماید: ما از آن ذریه هستیم و ماییم بقیه آن عترت (عیاشی، ۱۳۸۰: ۱۶۸/۱). علامه در توضیح این حدیث می‌گوید: اینکه فرمود «ما بقیه آن عترتیم»، عترت در معنای اصلی و لغوی آن، اصل و پایه ای است که چیزی به آن تکیه می‌کند و به همین معنا درباره فرزندان و خویشان خیلی نزدیک به انسان که در گذشته‌اند، نیز استعمال می‌شود. به عبارت دیگر عترت، عبارت است از آن عمودی که در همه خویشاوندان محفوظ است و از اینجا روشن می‌شود که امام علیه السلام از جمله «ذُرِّيَّةَ بَعْضِهَا مِنْ بَعْضٍ» استفاده کرده که عترتی (عمود و اصلی) محفوظ، سلسله‌ی از آدم تا نوح تا آل ابراهیم و آل عمران را دربرگرفته و از اینجا این نکته آشکار می‌شود که چرا آدم و نوح را با آل ابراهیم و آل عمران ذکر کرده است. خواسته است اشاره کند به اینکه سلسله نام برده، در «اصطفاء» همه جا متصل بوده و در هیچ نقطه‌ای قطع نشده است (طباطبایی، ۱۳۹۰: ۱۶۸/۳-۱۶۹).

درباره اطلاق آیه تطهیر و صدق عنوان اهل بیت بر امامان دیگر، به آیه شش سوره احزاب نیز استناد شده است: طبق استفاده امام معصوم از این آیه، شجره اهل بیت عصمت در نسل امام حسین علیه السلام جریان پیدا کرده است. شیخ صدوق به نقل از عبدالرحمن بن کثیر می‌گوید به امام صادق علیه السلام عرض کردم: معنای این کلام خدا... [آیه تطهیر] چیست؟ امام علیه السلام فرمود: «این آیه درباره پیامبر، امیرالمومنین، حسن، حسین و فاطمه علیهم السلام نازل شد. وقتی پیامبر صلی الله علیه و آله از دنیا رفت، امیرالمومنین، سپس حسن و پس از او حسین علیه السلام بود. سپس تأویل این آیه: ﴿وَأُولُوا الْأَرْحَامِ بَعْضُهُمْ أَوْلَىٰ بِبَعْضٍ فِي كِتَابِ اللَّهِ﴾ (احزاب: ۶) واقع شد که علی بن الحسین علیه السلام بود. آنگاه در سایر امامان پس از او و از فرزندان او جاری گشت. بنابراین اطاعت از آنان اطاعت از خدا و نافرمانی آنان نافرمانی خداست (ابن بابویه، ۱۳۸۵: ۱/۲۰۵).

در روایتی دیگر، از این آیه (احزاب: ۶) به صراحت در اثبات امامت بی‌فاصله از پیامبر صلی الله علیه و آله و ادامه آن در فرزندان امام حسین علیه السلام استفاده شده است. طبق این استفاده،

به گفته علامه، «آن ولایت و امامت» برای کسی حاصل نمی شود؛ مگر به دو شرط: از ارحام پیامبر ﷺ بودن و متصل بودن به کسی - حضرت فاطمه الزهرا ﷺ - که نزدیک ترین فرد به پیامبر ﷺ است؛ یعنی آن در میان خویشان پیامبر ﷺ منحصر در علی، حسن و حسین ﷺ (ذوی القربی) است (مجلسی، ۱۴۰۴: ۲۱۱/۳). این روایت در منابع مختلف آمده است. مرحوم کلینی هفت حدیث در باب «مواردی که خدای -عزوجلّ- و رسولش بر امامان ﷺ یکی پس از دیگری تصریح کرده اند» آورده است. حدیث دوم از آن ها، حدیث مورد نظر است که در آن، پرسش های عبدالرحیم قصیر و پاسخ های امام باقر ﷺ آمده است (کلینی، ۱۴۰۷: ۲۸۸/۱؛ همو، ۱۴۲۹: ۱۰/۲؛ ابن بابویه، ۱۴۰۴: ۴۸؛ همو، ۱۳۸۵: ۲۰۷/۱؛ مجلسی، ۱۴۰۴: ۲۰۹/۳).

به منظور معرفی اهل بیت ﷺ، امامان ﷺ به آیه ۵۹ سوره نسا نیز استناد نموده اند. در این باره حدیث مفصلی از امام صادق ﷺ در کافی با دو سند نقل شده، که علامه مجلسی هر دو سند را صحیح می داند. در این حدیث، افزون بر این آیه، به آیه شش سوره احزاب و حدیث ثقلین نیز استدلال شده است (ر. ک: کلینی، ۱۴۰۷: ۲۸۶-۲۸۸؛ مجلسی، ۱۴۰۴: ۲۱۳/۳).

۲-۳-۴. معروف بودن امامان معصوم ﷺ در جامعه به مصداق آیه تطهیر

امامان معصوم ﷺ در روزگار خود در میان مردم جامعه به مصادیق آیه تطهیر معروف و مشهور بودند. برای نمونه، به واقعه و گفت و گویی اشاره می کنیم که در آن، اشخاصی پس از اقرار به مقام و منزلت امام باقر ﷺ، با اشاره به آیه تطهیر گواهی می دهند که «شما اهل بیتی هستید که خدا از شما پلیدی را برده و مطهر نموده است». ماجرا چنین است:

سلیمان بن خالد به امام باقر ﷺ عرض کرد: فدای تو شوم، آیا امام از آنچه در روز می گذرد، آگاه است؟ امام ﷺ فرمود: ای سلیمان! سوگند به خدایی که محمد ﷺ را به پیامبری برانگیخت و او را به رسالت برگزید، امام به حتم آنچه را که در روز، ماه و سال می گذرد می داند؛ ای سلیمان! آیا نمی دانی که «روح» بر او در شب قدر فرود می آید؟ پس امام

حوادث سال و شب و روز را می‌داند. آنگاه امام فرمود: به زودی چیزی می‌بینی تا این که دلت مطمئن شود. سلیمان می‌گوید سوگند به خدا، زیاد نگذشت که امام فرمود: در این ساعت دو مرد می‌آیند که دزدی کرده و مال دزدی را پنهان کرده‌اند. او می‌گوید: سوگند به خدا، چیز زیادی نگذشت که دو مرد آمدند... پس از آنکه دست آنان را بردند، یکی از آن دو گفت: ای اباجعفر علیه السلام! به خدا سوگند، به حق بُریدی... «شما اهل بیت نبوت هستید و بر شما فرشتگان فرود آمدند و شما معدن رحمتید... به خدای یگانه‌ای که هیچ شریکی برای او نیست و به محمد صلی الله علیه و آله و سلم ایمان آوردم و «گواهی می‌دهم که شما اهل بیت رحمت هستید، که خدا پلیدی را از شما بُرده و شما را مطهّر نموده است». سلیمان بن خالد می‌گوید: پس از آن، ده سال به حج رفتم مرد دست‌بریده را می‌دیدم که از اصحاب امام باقر علیه السلام بود (کشی، ۱۳۶۳: ۲/۶۴۴-۶۵۰؛ مجلسی، ۱۴۰۳: ۴۶/۲۷۲-۲۷۴).

هم چنین می‌توان از دانشمندان و قدمای اهل تسنن یاد کرد که در وصف امامان شیعه علیهم السلام از امام چهارم تا امام دوازدهم علیهم السلام از تعابیری مانند «اهل البیت» و «اهل بیت النبوه» استفاده کرده و بدین بیان به شمول آیه تطهیر درباره آنان و انتسابشان به بیت وحی و نبوت، گواهی داده و اذعان کرده‌اند (باقرزاده، ۱۳۹۱: ۵۸۲-۵۹۲).

۳. مصداق تبعی اهل بیت

در اینجا مصداق تبعی اهل بیت علیهم السلام را بررسی می‌کنیم. اهل بیت علیهم السلام مؤمنان و شیعیان را به خود منسوب کرده‌اند. این در اثر ولایت‌پذیری و تبعیت از آنان است. در دو بحث آینده، در مورد از اهل بیت به شمار آمدن شیعیان (با وصف کلی) و از اهل بیت به شمار آمدن برخی اصحاب با تصریح به نام آنان، سخن خواهیم گفت.

۱- ۳. از اهل بیت به شمار آمدن مؤمنان و شیعیان (با وصف کلی)

چنان که در تعریف «اهل» گذشت، گاهی افرادی خارج از خویشاوندان نیز می‌توانند جزو «اهل» انسان محسوب شوند؛ مانند مؤمنانی که به سبب پیوند فکری و قلبی با پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و ائمه علیهم السلام، از آنان به شمار آمده‌اند. تعابیری همچون «مِنَّا أَهْلُ الْبَيْتِ» و «مِن آلِ

محمد» که در شأن مؤمنان و شیعیان به طور عام و برخی اصحاب اهل بیت علیهم السلام به طور خاص رسیده، گویای آن مطلب است. در اینجا نخست، تعدادی از روایاتی را که در آن نیکان و مؤمنان جزو اهل بیت به شمار آمده‌اند، مورد توجه قرار می‌دهیم؛ سپس از برخی اصحاب که به تصریح اهل بیت علیهم السلام جزو آنان به شمار آمده‌اند، یاد خواهیم نمود.

حضرت امام زین العابدین علیه السلام سوگند یاد کرده است که نیکان (ابرار) از ما اهل بیت هستند (طبرسی، ۱۳۷۲: ۱۷/۳۷۵). ابی عبیده از امام باقر علیه السلام روایت می‌کند که مُحَبِّبِ ما، از ما اهل بیت است: «مَنْ أَحَبَّنَا فَهُوَ مِنَّا أَهْلَ الْبَيْتِ». پس از اینکه راوی می‌پرسد از شما؟، امام علیه السلام همراه با سوگند به خدا، می‌فرماید از ماست و به گفته ابراهیم علیه السلام در قرآن استناد می‌فرماید: «هر کس از من پیروی کند از من است» (ابراهیم: ۳۶) (عیاشی، ۱۳۸۰: ۲۳۱/۲؛ فیض کاشانی، ۱۴۱۵: ۳/۹۰؛ بحرانی، ۱۴۱۵: ۳/۳۱۱). در ضمن، از این استناد امام علیه السلام می‌توان استفاده کرد که باید محبت همراه با پیروی از اهل بیت علیهم السلام باشد؛ چنان که شرط «از ابراهیم بودن»، تبعیت و با توجه به ادامه آیه، نافرمانی نکردن از اوست.

محمد حَلَبی از امام صادق علیه السلام نقل می‌کند: هر کس از شما که پرهیزکار باشد و کارش را اصلاح کند، از ما اهل بیت است. می‌پرسد از شما اهل بیت؟ امام علیه السلام می‌فرماید: از ما اهل بیت است و به گفته‌ی ابراهیم علیه السلام استدلال می‌فرماید: «هر کس از من پیروی کند، از من است» (ابراهیم: ۳۶). عمر بن یزید می‌پرسد: از آل محمد است؟ امام علیه السلام می‌فرماید: آری به خدا سوگند از آل محمد [ص]، آری به خدا سوگند از خود آنان؛ آیا نمی‌شنوی قول خدا، «سزاوارترین مردم به ابراهیم، آنها هستند که از او پیروی کردند» (آل عمران: ۶۸) و قول ابراهیم را «هر کس از من پیروی کند، از من است»؟ (بحرانی، ۱۴۱۵: ۳/۳۱۱).

ابی عمرو زُبَیری از امام صادق علیه السلام روایت می‌کند: هر کس که دوستی و سرپرستی آل محمد علیهم السلام را بپذیرد و آنان را بر همه مردم مقدم دارد - تقدیمی که به سبب نزدیکی آنان به فرستاده خدا صلی الله علیه و آله است - او از آل محمد علیهم السلام شمرده می‌شود؛ این به دلیل ولایت‌پذیری و پیروی‌کردنش از آنان است، نه اینکه در واقع خویشاوند آنان بوده باشد. این به دلیل حکم

خدا در کتابش، «و کسانی که از شما با آنان [یهود و نصارا] دوستی کنند، از آن‌ها هستند» (مائده: ۵۱) و گفته ابراهیم علیه السلام است: «هرکس از من پیروی کند از من است و هرکس نافرمانی من کند، تو بخشنده و مهربانی» (عیاشی، ۱۳۸۲، ۲/۲۳۱ و با اختلاف اندکی در: بحرانی، ۱۴۱۵: ۳/۳۱۱).

۳-۲. از اهل بیت به شمار آمدن برخی اصحاب با تصریح به نام آنان

پیش از پرداختن به کسانی که مفتخر به نشان «مِنّا اهل البیت» گردیدند و این افتخار را تا پایان زندگی حفظ کردند، یاد کنیم از کسانی دیگر که نخست همراه با اهل بیت بودند؛ ولی توفیق ماندن در این مسیر را نداشتند. نمونه مهم از این گونه افراد، زیرین عوام است که هم از پیوند خویشاوندی - صفیه مادر زبیر، عمه پیامبر صلی الله علیه و آله و امیر مؤمنان علیه السلام بود - و هم اعتقادی با اهل بیت علیهم السلام داشت و از آنان شمرده می شد. او از اندک صحابه وفادار به بیت وحی بود و طبق روایتی در *الأصول الستة عشر*، جزو «سرتراشیدگان» [سلمان، ابوذر و مقداد] است که بدین صورت آمادگی خود را بر بیعت با حضرت علی علیه السلام و مبارزه با اهل سقیفه، اعلام کرده بودند؛ ولی سوگمندانه در برهه‌ای دیگر از زندگی، با بریدن پیوند خویشی و اعتقادی، در جبهه مقابل قرار گرفت. ابوبصیر از امام باقر علیه السلام شنید که می فرمود: زبیر پیوسته از ما اهل بیت بود، تا اینکه پسرش عبدالله بزرگ شد؛ «سمعت أبا جعفر علیه السلام يقول: ما زال الزبير منا أهل البيت حتى نشأ ابنه عبدالله بن الزبير، ولقد حلق رأسه و هو يقول: لا نبایع إلا علیاً، قال: ولقد أخذ عمر سيفه فكسره بين حَجْرَيْن» (محمودی، ۱۴۲۳: ۱۵۱). به تعبیر امام صادق علیه السلام، زبیر از ما اهل بیت بود تا آنگاه که جوجه اش (عبدالله) بزرگ شد و او را از عقیده اش منحرف ساخت؛ «ما زال الزبير منا أهل البيت حتى أدرك فرخه فنهاه عن رأيه» (ابن بابویه، ۱۳۶۲: ۱/۱۵۷). پیش تر نیز، امیر مؤمنان علی علیه السلام فرموده بود که او همواره از ما اهل بیت بود تا هنگامی که پسر نامبارکش، عبدالله بزرگ شد؛ «ما زال الزبير رجلا منا أهل البيت حتى نشأ ابنه المشؤم عبدالله» (نهج البلاغه، ۱۴۱۴: حکمت ۴۵۳؛ همو، ۱۳۷۹: حکمت ۴۵۳؛ ابن ابی الحدید، ۱۴۰۴: ۲۰/۱۰۲).

اکنون از برخی صحابه که افتخار «از اهل بیت بودن» را کسب نموده‌اند، یاد می‌کنیم:

۲-۱-۳. سلمان

حواریون و خاصان اهل بیت علیهم‌السلام «از آنان» به شمار می‌روند؛ ولی امامان علیهم‌السلام با نام‌بری از برخی اصحاب، عنوان «از اهل بیت بودن» را به‌طور ویژه به آنان اعطا کرده‌اند. معروف‌ترین آنان جناب سلمان است که از یاران خاص و رازداران پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و امیرالمومنین علیه‌السلام بود. به روایت علی علیه‌السلام، پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم فرمود: سلمان از ما اهل بیت است (ابن بابویه، ۱۳۷۸: ۶۴/۲). امام باقر علیه‌السلام درباره عظمت شخصیت سلمان، فرمایش امیرالمومنین علیه‌السلام به جناب ابوذر را نقل می‌کند: ای اباذر! سلمان باب خدا در زمین است. شناسنده او مؤمن و منکر او کافر است. همانا سلمان از ما اهل بیت است (کشی، ۱۳۶۳: ۶۰/۱). وقتی نزد امام باقر علیه‌السلام از سلمان به‌عنوان سلمان فارسی یاد شد، آن حضرت فرمود: نگویید سلمان فارسی؛ بگویید سلمان محمدی. او مردی از ما اهل بیت است (همان: ۵۴/۱).

فضل بن عیسی هاشمی می‌گوید: «من و پدرم بر امام صادق علیه‌السلام وارد شدیم. پدرم به ایشان عرض کرد آیا «سلمان مردی از ما اهل بیت است»، فرمایش پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم است؟ فرمود بله. پرسید آیا از فرزندان عبدالمطلب است؟ فرمود: از ما اهل بیت است. پرسید آیا از فرزندان ابوطالب است؟ فرمود: از ما اهل بیت است. پدرم گفت: من او را نمی‌شناسم. فرمود: ای عیسی! او را بشناس؛ همانا او از ما اهل بیت است. سپس با دستش به سینه اش اشاره کرد و فرمود: آن‌طور که تو فکر می‌کنی (رابطه نسبی و تنی) نیست؛ همانا خدا سرشت ما را از «علیین» و شیعیان ما را از پایین‌تر از آن آفرید؛ پس آنان از ما هستند. خدا سرشت دشمنان ما را از «سجین» و شیعیان‌شان را از پایین‌تر از آن آفرید و اینان نیز از آنان‌اند. امام صادق علیه‌السلام سپس افزود: و سلمان بهتر از لقمان است (صفار، ۱۴۰۴: ۱۷/۱-۱۸). زراره می‌گوید: از امام صادق علیه‌السلام شنیدم که فرمود: سلمان دانش اول و آخر را درک کرده بود و او دریایی ناتمام است. او از ما اهل بیت است (کشی، ۱۳۶۳: ۵۲).

۳-۲-۲. ابوذر، مقداد، عمار و جابر

از شخصیت‌های دیگری که اهل بیت علیهم السلام، آنان را به خود منسوب فرموده‌اند، چهار صحابه‌ی دیگر هستند؛ یاران صدّیق و وفادار پیامبر صلی الله علیه و آله که تا واپسین لحظات زندگی، سفارش الهی آن حضرت نسبت به وصی بلافصلش را پاس داشتند. شیخ مفید در اختصاص چنین آورده است:

امام باقر علیه السلام به نقل از جابر بن عبدالله انصاری می‌فرماید پیامبر خدا صلی الله علیه و آله درباره سلمان، ابوذر، مقداد، عمار و خود او (جابر) فرمود: خدا دشمن کسی است که با آنان دشمنی کند و دوست کسی است که با آنان دوستی کند. آن حضرت صلی الله علیه و آله درباره ابوذر، مقداد و عمار فرمود: او از ماست؛ «ذاک مِئًا» و خطاب به جابر نیز فرمود: تو از مایی؛ «أنت مِئًا» (مفید، ۱۴۱۳ [الف]: ۲۲۲-۲۲۳).

ادامه‌ی این حدیث و تعبیر بلندی که پیامبر صلی الله علیه و آله از پنج تن علیهم السلام دارند، تأکیدی دیگر بر جایگاه ممتاز و محوریت آن حضرات در عالم هستی است: علی بن ابی طالب علیه السلام نفس من، حسن و حسین علیهم السلام روح من و فاطمه مادر آنان علیها السلام دختر من است. هر چیزی که او را ناراحت کند، مرا ناراحت کرده و هر چیزی که او را شادمان کند، مرا شادمان کرده است. خدا را گواه می‌گیرم که من با جنگ‌کنندگان با آنان در جنگ و با سلامت‌دارندگان با آنان در سلامت. ای جابر! هرگاه خواستی دعایت به درگاه خدا مستجاب شود، پس خدا را به نام‌های آنان بخوان؛ چراکه آن نام‌ها محبوب‌ترین نام‌ها به سوی خدای عزیز و جلیل است. گفتنی است سلمان، ابوذر و مقداد همان سه نفری هستند که از بینش عمیق و راسخ برخوردار بودند و وفاداری کامل خود را به پیامبر صلی الله علیه و آله حفظ کردند؛ به طوری که سرسپرده کامل ولی معرفی شده از سوی آن حضرت صلی الله علیه و آله گشتند و به فرموده امام صادق علیه السلام، از میان مدعیان تنها کسانی بودند که دستور امیرالمؤمنین علیه السلام را در تراشیدن سر در اعلام به بیعت با ایشان و مبارزه با اهل سقیفه، گردن نهادند (همان: ۶).

۳-۲-۳. عیسی بن عبدالله قمی

عیسی بن عبدالله قمی (بن سعد بن مالک اشعری) شخصیت دیگری است که نشان افتخار «از اهل بیت بودن» را به دست آورده است. یونس بن یعقوب می گوید:

من در مدینه بودم. امام صادق علیه السلام با من برخورد نمود و فرمود: یونس! زود برو که مردی از ما خاندان در خانه منتظر است. من به در خانه رسیدم و دیدم عیسی بن عبدالله نشسته است. به او گفتم: شما که هستی؟ گفت: مردی از اهل قم هستم. چیزی نگذشت که امام صادق علیه السلام سوار بر چهارپایی آمد و همان طور سواره داخل منزل شد و به ما رو کرد و فرمود: داخل شوید. سپس فرمود: یونس! گمان می کنم که تو این گفته مرا که «عیسی بن عبدالله از ما خاندان است» انکار داری؟ عرض کردم: به خدا سوگند، آری فدایت شوم؛ زیرا عیسی بن عبدالله مردی از اهل قم است. فرمود: ای یونس! عیسی بن عبدالله مردی از ماست چه زنده باشد و چه از دنیا برود^۱ (کشی، ۱۳۶۳: ۲/۶۲۴؛ نیز با اختلاف اندکی در: مفید، ۱۴۱۳ [ب]: ۱۴۰). میرداماد در تعلیقه بر رجال کشی، پایان حدیث را چنین توضیح می دهد: آنچه درباره عمران و عیسی، فرزندان عبدالله قمی روایت شده که «هو متا حی»، بدین معناست که او زنده ای از زنده های ما و مرده ای از اموات ماست.

هم چنین آن حضرت وقتی خواست احکام نماز را به عیسی بفرماید، او را متعلق به اهل بیت علیهم السلام به شمار آورد و منسوب به خویش کرد: ای عیسی بن عبدالله! همانا خدای عزیز و جلیل می فرماید: «خانواده خود را به نماز فرمان ده» (طه: ۱۳۲) و همانا تو از ما اهل بیته؛ سپس امام صادق علیه السلام میان دو چشم او را بوسید (کشی، ۱۳۶۳: ۲/۶۲۵).

۳-۲-۴. یونس بن یعقوب

فرد دیگری که اهل بیت علیهم السلام او را از خویش دانسته اند، یونس بن یعقوب است. امام کاظم علیه السلام کلام پدر بزرگوارشان امام صادق علیه السلام درباره یونس را به وی فرمود که «او از شیعیان

۱. «... یا یونس عیسی بن عبدالله هو متا حی و هو متا میت»

قدیمی ماست» (همان: ۶۸۳/۲). او هم چنین از خواص اصحاب دو امام دیگر، ابوالحسن موسی علیه السلام و ابوالحسن رضا علیه السلام بود. فرمایش یکی از این امامان علیه السلام -تردید از راوی- خطاب به اوست که: تو مردی از ما اهل بیت هستی^۱ (همان: ۶۸۵/۲).

یونس کوفی بود؛ ولی در مدینه از دنیا رفت. امام رضا علیه السلام اقدام به حنوط، کفن و همه نیازمندی‌های او اقدام کرد و به دوستان و شیعیان خود، پدرش و پدربزرگش امر کرد که به جنازه او حاضر شوند. آن حضرت به آنان فرمود: او از شیعیان امام صادق علیه السلام است که ساکن عراق بود. سپس فرمود: در بقیع برای او قبری بکنید. اگر اهل مدینه به شما گفتند که او عراقی است و او را در بقیع دفن نمی‌کنیم، بگویید او شیعه «مولی» امام صادق علیه السلام است و ساکن عراق بود. اگر مانع ما از دفن او در بقیع شوید، ما نیز مانع دفن پیروان «مولی» شما در آنجا خواهیم بود (همان: ۶۸۲-۶۸۴).

گفتنی است افزون بر تعلیقه میرداماد درباره یونس در اینجا -رجال کشی- محدث نوری (۱۴۰۸) نیز وثاقت، بلکه جلالت یونس و نیز حسن عقیده او را آورده است (۳۹۱/۵-۳۹۹).

۳-۲-۵. عمر بن یزید

یکی دیگر از اصحاب ائمه علیهم السلام که جایگاه شریف انتساب به اهل بیت علیهم السلام را پیدا کرد، عمر بن یزید است. وی می‌گوید: امام صادق علیه السلام به من فرمود: به خدا سوگند، تو از ما اهل بیت هستی. به ایشان عرض کردم: جانم به قربان شما، آیا از آل محمد علیهم السلام؟ فرمود: آری، سوگند به خدا، از خودشان. گفتم: از خودشان؟ فرمود: آری، سوگند به خدا از خودشان؛ آیا در قرآن نمی‌خوانی؟ «سزاوارترین مردم به ابراهیم، آن‌ها هستند که از او پیروی کردند و (در زمان و عصر او، به مکتب او وفادار بودند)؛ همچنین این پیامبر و کسانی که (به او) ایمان آورده‌اند (از همه سزاوارترند)؛ و خداوند، ولی و سرپرست مؤمنان است» (کشی،

۱. «... إنما أنت رجل منا أهل البيت».

۱۳۶۳: ۲/ ۶۲۳). این حدیث در امالی چنین ادامه دارد: و آیا در قرآن نمی خوانی؟ «... هر کس از من پیروی کند از من است؛ و هر کس نافرمانی من کند، تو بخشنده و مهربانی» (طوسی، ۱۴۱۴: ۴۵).

۳-۲-۶. فضیل بن یسار

فضیل بن یسار از چنان جایگاهی نزد اهل بیت علیهم السلام برخوردار بود که وقتی امام صادق علیه السلام او را دید، این آیه را خواند: «بشارت ده متواضعان و تسلیم شوندهگان را» (حج: ۳۴) و فرمود: «هرکس دوست دارد مردی از اهل بهشت را ببیند، به او نگاه کند (کشی)، ۱۳۶۳: ۲/ ۴۷۲-۴۷۳). آن حضرت وقتی فضیل را می دید، با گفتن «بشر المحبتین» - اشاره به آیه گذشته - به او توجه می کرد و می فرمود: فضیل از اصحاب پدرم است و من دوستدار کسی هستم که اصحاب پدرم را دوست بدارد (همان). به فرموده حضرت صادق علیه السلام، زمین با فضیل آرامش می یابد (همان). وقتی که فضیل خدمت امام باقر علیه السلام می رسید، آن حضرت می فرمود: به به، متواضعان را بشارت ده؛ مرحبا به کسی که زمین به او انس می گیرد (همان).

غسل دهنده فضیل می گوید: وقتی می خواستم او را غسل دهم، دستش جلو عورتش را گرفته بود. وقتی این خبر به امام صادق علیه السلام رسید، فرمود: خدا او را رحمت کند؛ او از ما اهل بیت است (همان).

نتیجه گیری

با انجام این پژوهش و بررسی روایات نبوی از جمله احادیث «ثقلین» و «دوازده امام» در منابع فریقین، یک بار دیگر حقانیت مذهب اهل بیت علیهم السلام نمایان گشت و این عقیده تثبیت گردید که ولایت اهل بیت علیهم السلام و لزوم تمسک به این برگزیدگان معصوم الهی، تنها راه نجات و رهایی در همه ی روزگاران است.

اهل بیت معصوم علیهم السلام نور واحدی هستند که پنج تن آل عبا (معصومان حاضر در زمان نزول آیه) و بقیه امامان دوازده گانه، مصداق اصلی اهل بیت علیهم السلام هستند. ولایت مداران و پیروان آن وجودهای مقدس، به سبب و به تناسب ولایت و اطاعت از اهل بیت علیهم السلام، مصداق تبعی اهل بیت به شمار می روند.

از جمله آثار باور به «از اهل بیت گشتن» مؤمنان راستین در اثر تبعیت از حضرات معصوم علیهم السلام و آشنایی با چنین مؤمنان «مثنایی»، امید آفرینی و انگیزه بخشی به منتظران ظهور منجی است؛ که آنان خود را مرتبط و متصل با اهل بیت علیهم السلام دانسته و با انتظار سازنده و آمادگی بایسته، خود را در طرح آخر الزمانی منجی موعود، بخشی از منجی شمرده و نقش مهم خود را در روند رهایی بخشی و عدالت گستری ایفا کنند.

منابع

۱. قرآن کریم، ترجمه: ناصر مکارم شیرازی.
۲. نهج البلاغه (۱۴۱۴ ق)، تحقیق: صبحی صالح، قم: هجرت.
۳. نهج البلاغه (۱۳۷۹)، ترجمه: محمد دشتی، قم: مشهور.
۴. ابن ابی الحدید، عبد الحمید (۱۴۰۴ ق)، شرح نهج البلاغه، تحقیق: محمد ابوالفضل ابراهیم، قم: مكتبة آية الله المرعشي النجفي.
۵. ابن بابویه، علی بن حسین (۱۴۰۴ ق)، الإمامة و التبصرة من الحيرة، قم: مدرسة الإمام المهدي عليه السلام.
۶. ابن بابویه، محمد بن علی (۱۳۶۲)، الخصال، تحقیق: علی اکبر غفاری، قم: جامعه مدرسین.
۷. ابن بابویه، محمد بن علی (۱۳۷۸ ق)، عيون أخبار الرضا عليه السلام، تحقیق: مهدی لاجوردی، تهران: نشر جهان.
۸. ابن بابویه، محمد بن علی (۱۳۸۵)، علل الشرائع، قم: کتاب فروشی داوری.
۹. ابن بابویه، محمد بن علی (۱۴۱۴ ق)، الاعتقادات، قم: المؤتمر العالمي للشيخ المفيد.
۱۰. ابن منظور، محمد (۱۴۱۴ ق)، لسان العرب، تحقیق: جمال الدین میردامادی، بیروت: دار الفکر.
۱۱. باقرزاده، عبد الرحمن (۱۳۹۱)، پژوهشی جدید درباره آیه تطهیر، قم: مؤسسه بوستان کتاب.
۱۲. بحرانی، سیدهاشم (۱۴۱۵ ق)، البرهان فی تفسیر القرآن، تحقیق: بنیاد بعثت، قم: مؤسسه البعثة.
۱۳. خزاز، علی بن محمد (۱۴۰۱ ق)، کفایة الأثر فی النصّ علی الأئمة الإثني عشر، تحقیق: عبداللطیف حسینی کوهکمری، قم: بیدار.
۱۴. راغب اصفهانی، حسین (۱۴۱۲ ق)، مفردات ألفاظ القرآن، تحقیق: صفوان عدنان

داوودی، بیروت دمشق: دار القلم.

١٥. سبحانی، جعفر (١٤٢٠ ق)، اهل البيت علیهم السلام سماتهم و حقوقهم فی القرآن، قم: مؤسسه امام صادق علیه السلام.

١٦. سیوطی، عبدالرحمن بن ابی بکر (١٤٠٤ ق)، الدر المنثور فی التفسیر بالمأثور، قم: کتابخانه عمومی حضرت آیت الله العظمی مرعشی نجفی علیه السلام.

١٧. صفار، محمد بن حسن (١٤٠٤ ق)، بصائر الدرجات فی فضائل آل محمد علیهم السلام، تحقیق: محسن کوجه باغی، قم: مکتبه آیه الله المرعشی النجفی.

١٨. طباطبایی، سید محمد حسین (١٣٩٠ ق)، المیزان فی تفسیر القرآن، بیروت: مؤسسه الأعلمی للمطبوعات.

١٩. طبرسی، فضل بن حسن (١٣٧٢)، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، تصحیح: فضل الله یزدی طباطبایی و هاشم رسولی، تهران: ناصر خسرو.

٢٠. طبری، محمد بن جریر (١٤١٢ ق)، جامع البیان فی تفسیر القرآن (تفسیر الطبری)، بیروت: دار المعرفة.

٢١. طریحی، فخرالدین (١٣٧٥)، مجمع البحرين، تحقیق: سید احمد حسینی، تهران: مرتضوی.

٢٢. طوسی، محمد بن الحسن (١٤١٤ ق)، الأمالی، قم: دار الثقافة.

٢٣. عیاشی، محمد بن مسعود (١٣٨٠ ق)، التفسیر (تفسیر العیاشی)، تحقیق: هاشم رسولی، تهران: مکتبه العلمیه الاسلامیه.

٢٤. فیض کاشانی، محمد (١٤١٥ ق)، تفسیر الصافی، تصحیح: حسین اعلمی، تهران: مکتبه الصدر.

٢٥. کشی، محمد بن عمر (١٣٦٣)، رجال الکشی (اختیار معرفة الرجال)، تحقیق: مهدی رجایی، قم: مؤسسه آل البيت علیهم السلام.

٢٦. کلینی، محمد بن یعقوب (١٤٠٧ ق)، الکافی، تهران: دار الکتب الإسلامیه.

۲۷. مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۳ ق)، بحار الأنوار، بیروت: دار إحياء التراث العربی.
۲۸. مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۴ ق)، مرآة العقول فی شرح أخبار آل الرسول، تحقیق: هاشم رسولی محلاتی، تهران: دار الکتب الإسلامية.
۲۹. محمودی، ضیاءالدين (۱۴۲۳ ق)، الأصول الستة عشر، تحقیق: نعمت الله جلیلی و مهدی غلامعلی، قم: مؤسسة دار الحديث الثقافية.
۳۰. مصطفوی، حسن (۱۴۳۰ ق)، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، بیروت: دار الکتب العلمية.
۳۱. مفید، محمد بن محمد (۱۴۱۳ ق [الف])، الإختصاص، تحقیق: علی اکبر غفاری و محمود محرمی زرنندی، قم: کنگره شیخ مفید.
۳۲. مفید، محمد بن محمد (۱۴۱۳ ق [ب])، الأمالی، تحقیق: حسین استادولی و علی اکبر غفاری، قم: کنگره شیخ مفید.
- نوری، حسین بن محمدتقی (۱۴۰۸ ق)، مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، تحقیق: مؤسسه آل البيت عليه السلام، قم: مؤسسه آل البيت عليه السلام.